



نوشته از بصیر دهبازاد

مذاکرات صلح قطر-

میدان تبارز اراده واقعی برای صلح و یا تسلیم به اهداف بیگانه گان

مذاکرات قطر که نام **بین الافغانی** را بر پیشانی دارد، مرحله حساس و تاریخی و میدان استفاده از یک زمینه و امکان گذار به صلح، تمکین به اراده، خواست مردم مظلوم، پذیرش تمدن و فرهنگ، سیاست باز، تمکین به ارزش های پذیرفته شده دنیای معاصر، استقلالیت اراده و خارج از نفوذ بیگانگان و بلاخره تثبیت صداقت در حرف و عمل است.

تیم مذاکره کننده طالبان با جمع از دعوت شده گان شان گوئی با یونیفورم بیگانه یعنی لنگی، واسکت سیاه، پیراهن و تنبان سفید و چپک و یا چپلی در سالون حضور یافتند. و در اولین صحبت باز هم اشاره از ایجاد یک دولت اسلامی طالبی دادند.

آقای خلیلزاد و وزیر خارجه آمریکا از وضاحت موضع بخاطر ایجاد یک دولت با قاعده وسیع، حفظ ارزش های به وجود آمده در بیست سال اخیر که میتوان از آنها به مانند یک بینی خمیری ترسیمی در ذهن نمود، خود را در کوچه حسن چپ زدند. پاکستان به مانند قصاب ظالم و دامن با لکه های خون، چال و فریب، دشمنی تاریخی با مردم افغانستان و یک منفعت جوی منطقوی میخواهد برای خود چربی بیشتر کمائی نماید. ولی آنچه اشد ضروری و عاجل و خواست بر حق ملت است آتش بس فوری است که در روز های بعدی باید به اولترین و مقدم ترین موضوع، نه تنها به بحث گرفته شود، بل جانب طالبان باید مسئولیت و وظیفه اخلاقی، وجدانی و دینی خویش را برای صلح و دادن حق زنده گی برای مردم را از خود تبارز دهند و روی دیگر از چهره خشونت، وحشت، قتل خون و بلاخره انتحار و انفجار را به نمایش بگذارند.

این توقع و خواست و امید اکثریت ملت بیش از ۳۶ میلیونی افغانستان در داخل و خارج کشور است. همه طرف های مذاکره در یک آزمون و انتخاب قراردارند. طرفین مذاکره همه میتوانند به سادگی در این میدان سیاهی های روی ناشی ازقتل، خون انفجار و انتخار را پاک کرده و به خواست و اراده ملت مظلوم تن دردهند.

لازم و ضروری است تا برای ایجاد یک تفاهم و فضای باز و عاری از نفوذ بیگانگان نکات زیر را در نظر گرفت و در محتوا و روان نکات زیرین فضای مذاکرات را سمت و سوی افغانی و وطنی داد.:

• مذاکرات بین الافغانی باید روی هیچ دلیلی در معرض مداخله و نفوذ دول حکومت های خارجی، خاصتن پاکستان، ایران، انگلستان، ایالات متحده و روسیه، قرار نگرفته، طرفین مذاکرات به استقلالیت اراده خویش متعهد باشند.

• در مذاکرات بین الافغانی مسأله آتش بس دائمی مقدم ترین ماده آجندا و شرط ادامه مذاکرات روی موضوعات دیگر باشد.

• دولت بحیث ممثل حاکمیت ملی و طرف اصلی قضیه بحیث طرف بحث و معامله صلح است، هیچ طرف و یا طرف های دیگر بحیث طرف قضیه و معامله صلح شده نمیتواند.

• حق حیات، حق زنده گی مصئون و صرفن تحت حمایت و حراست قانون، عاری از هر نوع فشار، زور، ارعاب و اجبار تحت هر نام و بهانه، قابل معامله نیست و هیچ طرف مذاکره نباید موضوع را جز آجند نماید، این حقوق انسانی باید مورد احترام طرفین قرار داشته باشد.

• به بحث کشانیدن سیاست خارجی افغانستان پیرامون موضوعات و منازعات منطقوی و بین المللی نمیتواند به مذاکرات صلح بین الافغانی مرتبط باشد. این صلاحیت دولت خواهد بود که بعد از ختم پروسه توافقات نهائی برای صلح روی آن، مبتنی بر منافع ملی، اصل حاکمیت ملی، تمامیت ارضی و حق خود ارادیت، تصمیم اتخاذ نماید.

• آغاز قرن ۱۴ هجری شمسی باید آغاز صلح و ثبات دائمی و سراسری برای افغانستان باشد. باید طرفین مذاکرات بر این امر تعهد قابل اعتماد به یکدیگر دهند.

• حفظ ارزش های قانون اساسی، دموکراسی مشروع، حفظ تمامی حقوق زن، مصئونیت خانواده قابل بحث و معامله نیست.

• قوای مسلح افغانستان بحیث پاسدار سرحدات، حفظ تمامیت ارضی و ضامن امنیت ملی کشور که محصول بیست سال اخیر است، موضوع مباحثه و جدل مذاکرات صلح شده نمیتواند، نباید تحت نام و بهانه اصلاح مجدد، و به اصطلاح اسلامی ساختن به بحث انداخته شود چونکه این تلاش فقط تکرار خونین تطبیق پلان جنرالان نظامی و استخباراتی پاکستان خواهد بود.

• طالبان که امتیازات رایگان در بدل معامله با آمریکا را از آن خود ساخته است، نباید ادعای بیشتر از توانائی نظامی خود پروسه مذاکرات را به چالش بکشد و دعوای به اصطلاح عامیانه " بستن اسپ در خانه ملک " نماید.

• دولت های پاکستان، آمریکا و ایران حق ندارند بخاطر منافع سیاسی، منطوقی، جیوپولیتیک و استراتژیک خویش پروسه مذاکرات را به طوالت فرسایشی بکشانند و در سدد اعمال نفوذ بر طرف های مذاکرات گردند.

• طرفین مذاکرات و دولت های ذیدخل باید بدانند که در برابر بیش از 36 ملیون باشنده و اقوام با هم برادر و برابر افغانستان قراردارند. کوچکترین اشتباه و ایده های که وفاق ملی و وطنی را به مخاطره مواجه سازند، ابعاد جنگ ها پر فاجعه تر و باز کردن یک صفحه جدید از جنگ داخلی خواهد بود.

www.hoqooq.eu